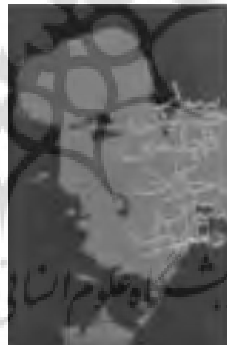


حیات سیاسی سیدحسین فاطمی

• ارسطو خداپرست

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه تبریز



کتاب «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران ۱۳۲۹-۱۳۳۲ش» با بهره‌گیری از منابع و مآخذ موجود اعم از کتاب‌ها، مقالات، روزنامه‌ها و اسناد موجود به بررسی زندگی، مبارزات، اندیشه‌ها و نقش «سیدحسین فاطمی» در تاریخ معاصر ایران بالأخص شکل‌گیری تحولات سیاسی ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ شمسی پرداخته است. این کتاب با یک مقدمه در بیان اجمالی موضوع پژوهش و کلیت مسأله آغاز می‌شود. نویسنده در مقدمه به علل و انگیزه‌های خود از تحقیق پیرامون این موضوع اشاره کرده و به مسائلی از قبیل طرح کلی پژوهش، سؤالات، فرضیه‌های بوجود آمده، هدف پژوهش، پیشینه پژوهش و نحوه‌ی استفاده از منابع و مآخذ و اسناد موجود پرداخته است. کتاب حاضر شامل سه بخش است: **بخش یکم** به زندگی و فعالیت‌های سیاسی - مطبوعاتی سیدحسین فاطمی تا سال ۱۳۲۹ش می‌پردازد. در این بخش، نویسنده به آغاز زندگی، تحصیلات، نخستین تجربیات روزنامه‌نگاری و اولین فعالیت‌های سیاسی حسین فاطمی اشاره کرده و نقش او را در انتشار روزنامه‌ها و شکل‌گیری جبهه‌های مطبوعاتی و احزاب سیاسی بالأخص در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ش و کابینه‌های پیش از دکتر مصدق مورد بررسی قرار داده است. این بخش، کارنامه‌ی فاطمی را تا سال ۱۳۲۹ش پوشش می‌دهد. **بخش دوم** این کتاب به نقش فاطمی در دوران معاونت سیاسی - پارلمانی نخست‌وزیر اختصاص یافته و نقش وی را در کابینه دکتر مصدق و جریان تصویب و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بررسی نموده است. نویسنده در این بخش به نقش فاطمی در تحولات سیاسی ایران در فاصله‌ی تشکیل کابینه اول دکتر مصدق تا قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ش می‌پردازد و در عین حال به تحولات شکل گرفته در ایران از نخست‌وزیری دکتر مصدق یعنی از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تشکیل کابینه دوم دکتر مصدق (اوایل مرداد ۱۳۳۱ش) اشاره می‌کند. این بخش با بررسی جریانات مجلس هفدهم و ترور نافرجام فاطمی به پایان می‌رسد. **بخش سوم** این کتاب که بخش آخر نیز هست، نقش فاطمی را در دوران تصدی وزارت امور خارجه یعنی در کابینه دوم دکتر مصدق بررسی می‌کند. این بخش با اشاره به ویژگی‌های دولت دوم مصدق که در اوایل مرداد ۱۳۳۱ تشکیل شد و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش سقوط کرد، نقش برجسته فاطمی را به عنوان وزیر امور خارجه ایران در سیاست خارجی مورد توجه قرار داده و

■ سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران (۱۳۲۹-۱۳۳۲ش)

■ رزا ناظم

■ تهران، مؤسسه‌ی انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات:

۲۶۹

کارمند دارایی بود. برادر دوم نصرالله سیف‌پور فاطمی، مدیر و صاحب امتیاز روزنامه‌ی «باختر»، مدتی نیز شهردار شیراز و سپس نماینده‌ی مردم نجف‌آباد در مجلس شورای ملی در دوره‌ی چهاردهم شد و پس از مهاجرت به آمریکا و اخذ درجه‌ی دکتر از دانشگاه پرینستون آمریکا به تدریس تاریخ خاورمیانه در آن دانشگاه مشغول شد. سومین برادر یعنی محمد مدتی در وزارت فرهنگ و پس از آن به خدمت وزارت کشور درآمد و با سمت فرماندار بازنشسته شد و بزرگ‌ترین فرزند خانواده، خواهرش خانم سلطنت فاطمی است که در حوادث سال‌های بعد در کنار حسین فاطمی و در حمایت از او نقش مهمی داشت. سیف‌العلماء و همسرش به تربیت و تحصیل فرزندان خود توجه خاص داشتند (ص ۲۱). حسین در سیزده سالگی در بی برادرش نصرالله سیف‌پور فاطمی که در کالج اصفهان مشغول تحصیل بود به آن شهر رفت. ابتدا در مدارس صرمیه و سعدی به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و سپس به مدرسه کالج وارد شد. کالج از جمله مدرسی بود که توسط میسیونرهای انگلیسی اداره می‌شد و هزینه‌ها و مخارج اولیه را نیز هیأت مبلغین انگلیسی می‌پرداختند. تحصیل در این مدرسه بعدها بهانه‌ای به دست مخالفان فاطمی داد که در طول تمام مبارزات و فعالیت‌های سیاسی‌اش از آن بهره‌برداری کردند و به چاپ و انتشار مطالبی در مورد آن پرداختند (ص ۲۲).

حسین کار خود را در روزنامه‌ی «باختر» که مدیر و صاحب امتیاز آن، برادرش نصرالله سیف‌پور فاطمی بود با نگارش مقالات آغاز کرد. او پس از دو سال کار در روزنامه‌ی باختر در سال ۱۳۱۶ش به تهران آمد و برای کار به سراغ احمد ملکی مدیر روزنامه‌ی «ستاره» رفت. بدین ترتیب حسین فاطمی به‌عنوان سردبیر روزنامه‌ی ستاره که جزو جراید معروف

به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و زندگی فاطمی پس از کودتا تا دستگیری و بازداشت و سپس اعدام او پرداخته است. کتاب حاضر با یک نتیجه‌گیری و ارائه‌ی کتاب‌نامه (منابع و مأخذ) به پایان می‌رسد. هدف از پژوهش حاضر همان‌طور که نویسنده بدان اذعان نموده، روشن شدن مقطعی از تاریخ معاصر ایران و به‌ویژه دوران مبارزه ملی در جهت صنعت نفت ایران است. در این میان بازکاوی ابعاد مختلف شخصیتی، اندیشه‌ای و سیاسی فاطمی به‌عنوان مرد شماره‌ی دو نهضت مورد توجه و تأمل بوده است (ص ۱۱). در این دوران که دولت دکتر مصدق بر سر کار بود، نهضت ملی ایران منجر به تحولات و رخدادهای مهمی در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شد. در این دوره از یک سو شاه و دربار به چالش کشیده شد تا بر مبنای قانون اساسی مشروطیت سلطنت کند و از سوی دیگر، در مقابله با شرکت نفت جنوب، دولت ایران با انگلیس رویاروی شد و مرحله‌ای تازه در مبارزات ضداستعماری شکل گرفت. در چنین شرایط پیچیده، حساس و ویژه‌ای فاطمی نخست در سمت معاونت سیاسی - پارلمانی نخست‌وزیر و سپس در سمت وزیر امور خارجه ایفای نقش نمود (ص ۷). نکته‌ی جالب توجه این است که فاطمی متناسب با نقش و جایگاه مهم و خاص خود در این مبارزه ملی بیشترین سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد و تنها عضو کابینه‌ی مصدق بود که به اعدام محکوم شد (ص ۱۱).

نویسنده‌ی کتاب در نگارش و تدوین این اثر از آثار قلمی به‌جا مانده از فاطمی از قبیل نوشته‌ها و مقالات او در روزنامه‌ی «باختر»، سر مقالات او در روزنامه «باختر امروز» که فاطمی سردبیر آن بود، خاطرات دوران اختفا (یادداشت‌های دوران دربه‌دوری)، ۱۳ مکتوب دوره‌ی زندان و مدافعات دوران محاکمه، آثار قلمی همکاران مطبوعاتی و سیاسی او و خاطرات آن‌ها و هم‌چنین پژوهش‌های قابل دسته‌بندی و آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی و آرشیو مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران که حوادث سال‌های دهه ۱۳۲۰ و دهه ۱۳۳۰ش را در برمی‌گیرند، بهره برده است. البته سهم قابل توجه و به‌سزایی از این اسناد اختصاص به مجموعه اسناد منتشر شده دارد (صص ۱۲-۱۴).

سیدحسین فاطمی در سال ۱۲۹۶ شمسی در نائین بدنیا آمد. پدرش سیدعلی محمد (سیف‌العلماء) از عالمان دینی شهر بود که پس از اتمام تحصیلات حوزوی در سامرا و بازگشت به نائین از طرف مظفرالدین شاه قاجار به سیف‌العلماء ملقب و به مقام صدر روحانیون نائین منصوب شد. خانواده‌ی فاطمی از خاندان‌های متنفذ و سرشناس نائین بودند و در دوران مشروطه تا پایان حکومت قاجار از جمله زمین‌داران بزرگ به‌شمار می‌آمدند که به سبب پیوندهای خانوادگی و دوستی با برخی رجال سیاسی و نام آشنا چون میرزا حسن خان مشیرالدوله و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک و سیدحسن مدرس، جایگاه ویژه‌ای به لحاظ اجتماعی یافته بودند. سیف‌العلماء از هواداران نهضت مشروطه بود و منزلش یکی از پایگاه‌های آزادی‌خواهان نائین به‌شمار می‌آمد و دوستی با رجال آزادی‌خواهی مانند مدرس و مشیرالدوله در او تأثیر زیادی گذاشت (صص ۱۹ و ۲۰). حسین کوچک‌ترین فرزند خانواده بود. وی سه برادر و یک خواهر بزرگ‌تر از خود داشت. برادر ارشد او مصباح سیف‌پور فاطمی



به شمار می‌آید، کار مطبوعاتی خود را در تهران آغاز کرد. از آن‌جا که وی استعدادی سرشار در نگارش و نبوغی فوق‌العاده در روزنامه‌نگاری داشت در تهران نیز مورد توجه قرار گرفت این در حالی بود که هنوز کمتر از دو دهه از عمرش می‌گذشت. **ابراهیم صفایی** که با حسین فاطمی از زمان فعالیتش در روزنامه‌ی ستاره‌ی آشنا شده بود در کتاب «پنجده خاطره از پنجده سال» در این مورد، او را جوانی با «احساسات آتشین و قلمی شیرین» معرفی می‌کند (صص ۲۴ و ۲۵). در سال ۱۳۱۷ش حسین فاطمی در پی نگارش مقاله‌ای ادبی تحت عنوان «ای کپوژها» در روزنامه‌ی ستاره، توسط مأموران سانسور شهربانی احضار شد. در سال ۱۳۱۸ به تقاضا و اصرار برادرش نصرالله سیف‌پور فاطمی که به سمت شهردار شیراز منصوب شده بود به اصفهان بازگشت تا مستقلاً روزنامه‌ی باختر را در غیاب برادرش اداره کند. فاطمی در این ایام، مقاله‌ای در روزنامه باختر نوشت و در آن مقاله به مجلس و عملکرد نمایندگان آن، حمله کرد که این امر سبب بازداشت و زندانی شدن او در اصفهان شد. این نخستین مبارزه‌ی سیاسی و مطبوعاتی وی با حکومت بود اما چون بازداشت او هم‌زمان با اشغال ایران توسط متفقین و سقوط رضاشاه پهلوی بود به همراه سایر زندانیان سیاسی آزاد شد (صص ۲۶ و ۲۷). با کنار رفتن رضاشاه از صحنه‌ی سیاسی ایران، زمینه برای دستیابی به آزادی‌های بیشتر هموار شد. انتشار روزنامه‌های جدید و آزادی نسبی آن‌ها در مقایسه با دوره‌ی رضاشاه باعث فعالیت آزادانه روزنامه‌نگاران شد تا در کمال بی‌پروایی قلم بزنند در نتیجه، مطبوعات به صورت معضل و مشکلی تازه در برابر رژیم شاه نمایان شد که برای حکومت، قابل تحمل نبود (ص ۲۹). سیدحسین فاطمی در روز ۲۲ آبان ۱۳۲۰ ش مجلس بزرگداشتی برای مرحوم سیدحسن مدرس در مسجد نوی اصفهان برپا کرد و به‌عنوان سخنران جلسه برای نخستین بار عنوان «شهید» را برای مدرس به کار برد. این اولین فعالیت آشکار سیاسی سیدحسین فاطمی پس از شهریور ۱۳۲۰ بود که در نوع خود بدیع و قابل توجه است و از چشم دایره‌ی اطلاعات شهربانی اصفهان نیز دور نماند (ص ۳۰). در همین ایام، مهم‌ترین فعالیت او در اصفهان که منجر به بازداشت و حبس او شد در مخالفت با پیمان سه‌جانبه‌ی ایران، شوروی و انگلیس بود که در زمان نخست‌وزیری محمدعلی فروغی منعقد گردید و تاریخ معینی برای خروج قشون اشغالگر از ایران تعیین شد ولی افکار عمومی ایران با پیمان سه‌جانبه مخالف بود چون آن را قرارداد دوستی با دشمن اشغالگر می‌دانست که مسبب تمام مصیبت‌ها بود. اکثر روزنامه‌های کشور، مخالفت خود را با این پیمان نشان دادند.

در این میان، فاطمی در روزنامه‌ی باختر مقاله‌ای تند علیه قرارداد منتشر کرد که در آن، فروغی را عامل خارجی و دشمن ملت ایران خواند در نتیجه، فروغی به شهربانی اصفهان دستور توقیف روزنامه‌ی باختر و مدیر آن، حسین فاطمی را داد (صص ۳۱ و ۳۲). حسین فاطمی چندی بعد از زندان آزاد شد و تصمیم گرفت روزنامه باختر را به تهران منتقل کرده و در آن‌جا به کمک هم‌فکرانش فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خود را ادامه دهد. انتشار باختر در تهران از ۱۴ تیرماه ۱۳۲۱ش آغاز شد و عنوان نخستین سرمقاله‌ی آن «خدا، ایران، آزادی» بود که در بحبوحه‌ی جنگ و اشغال ایران در زمان دولت اول علی سیهیلی به قلم حسین فاطمی به رشته‌ی تحریر درآمد. حسین فاطمی هم‌زمان با انتشار روزنامه‌ی باختر در تهران در اوایل سال ۱۳۲۱ش با محمد مسعود مدیر جسر و بی‌پروای روزنامه‌ی «مرد امروز» آشنا شد. در نخستین مرتبه، توقیف روزنامه‌ی مرد امروز، فاطمی به حمایت از مسعود برخاست و در ادامه‌ی حمایت از محمد مسعود چندین مرتبه با دولت‌های وقت درگیر شد. جسارت و بی‌پروایی محمد مسعود در انتخاب مقالات و افشای فساد هیأت حاکمه اعم از دولت، دربار و اعضای خاندان سلطنتی مورد تقلید روزنامه‌نگارانی چون حسین فاطمی قرار گرفت. فاطمی هیچ‌گاه رابطه‌ی خود را حتی در ایامی که برای تحصیل به فرانسه رفته بود، با مسعود قطع نکرد و مقالاتی را نیز برای چاپ در روزنامه مرد امروز برای او می‌فرستاد. خبر قتل مرموز محمد مسعود در بهمن ۱۳۲۶ش زمانی به فاطمی در پاریس رسید که او تدارک سفر مسعود را به فرانسه فراهم می‌کرد. مرگ محمد مسعود برای حسین فاطمی ناباورانه و بسیار دردناک بود. فاطمی از آن پس هر سال در سال‌روز مرگ مسعود در مدح شهادت و آزادی‌خواهی او مقاله می‌نوشت و نام و یاد او را گرامی می‌داشت. مرگ مسعود کینه‌ی فاطمی به شاه و خانواده سلطنتی را روزافزون کرد. بخش قابل توجهی از حجم سرمقاله‌های حسین فاطمی در روزنامه باختر به انتقاد سخت از دوران پهلوی اول و شخص رضاشاه اختصاص داشت (ص ۴۱). فاطمی هم‌چنین به نتایج و عواقب خودکامگی حکومت رضاشاه نظر داشت و در مقالات خود به ویژگی‌های شوم دوران رضاشاه اشاره می‌کرد (صص ۴۱ و ۴۲). این نگاه فاطمی به حکومت رضاشاه موجب یأس او از امکان ایجاد اصلاحات توسط پسرش محمدرضا شده بود. فاطمی حکومت محمدرضا را مسئول همه وعده‌های دروغین و پوچ می‌دانست که فرصت‌های به دست آمده پس از شهریور ۱۳۲۰ش را با وعده‌های بی‌اساس از دست داد (ص ۴۲). این شیوه‌ی نقد صریح و سخت فاطمی از حکومت پهلوی بارها موجب ناخرسندی شاه شد. شاه، انتقادات تند و حملات روزنامه

فاطمی در موضوع تشکیل جبهه ملی و انتخاب و پیشنهاد نام آن، نقش اساسی ایفا کرد و پس از تصویب اساسنامه و آیین‌نامه‌ی و برنامه کار، جبهه ملی در روز ۱۰ آبان ۱۳۲۸ ش رسماً موجودیت خود را اعلام کرد

سیدحسین فاطمی

طرح معاونت فاطمی از سوی مصدق، با واکنش‌های مخالفی در مجلس شورای ملی و سنا مواجه شد. علت اصلی این مخالفت، بیشتر مضامین مقالات فاطمی در روزنامه باختر امروز بود

سیدحسین فاطمی

مدتی درگیر مبارزه با مداخلات دولت و توقیف پی‌درپی جراید شد و این مسأله همیشه یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل‌های مطبوعاتی بود (صص ۴۸-۵۰). البته حسین فاطمی که از فعالیت‌های حزب مارکسیستی توده نگران بود، امید به تلاش‌های سید ضیاءالدین طباطبایی بست. سیدضیاء حزب «آزاده‌ی ملی» را با حمایت انگلیس و به‌منظور مقابله با حزب توده تأسیس کرده بود. در چنین شرایطی فاطمی نیز برای مدت کوتاهی از همراهان سیدضیاء شد. اما به زودی تناقض‌های آشکار در برنامه‌های سیدضیاء آشکار شد. از یک‌سو به دربار نزدیک شد و از سوی دیگر، چهره متمایل به انگلیس را نشان داد و در این شرایط، فاطمی از جمله منتقدان سیدضیاء محسوب می‌شد. بدین ترتیب همراهی فاطمی و تعداد قابل توجهی از روزنامه‌نگاران با سیدضیاء دیری نپایید (صص ۵۱ و ۵۲).

نویسنده در ادامه به فعالیت‌های فاطمی در دوران نخست‌وزیری علی سهیلی و احمد قوام پرداخته و به موضع‌گیری فاطمی در مقابل این کابینه‌ها اشاره کرده است. علی سهیلی در دهه‌ی ۱۳۲۰ش دو دوره‌ی نخست‌وزیر بود. در دوران نخست‌وزیری سهیلی به علت دخالت دربار در کارهای دولت، برخی روزنامه‌ها از سهیلی انتقاد می‌کردند و احمد قوام (قوام‌السلطنه) را به‌عنوان کاندیدای مقتدری برای تشکیل کابینه معرفی می‌نمودند. این روند منجر به مقابله سخت سهیلی با مطبوعات و توقیف برخی از جراید شد (ص ۵۳). با فشار مطبوعات کابینه سهیلی سقوط کرد و با ابراز تمایل مجلس به قوام، او کابینه خود را به مجلس معرفی کرد. در این دوره برخی از مدیران شناخته شده مطبوعات که حسین فاطمی نیز در میان آن‌ها بود طرفدار و حامی قوام بودند (ص ۵۴). هرچند پس از «واقعه‌ی نان» که ناشی از کمبود و گرانی نان بود و با تحریک شاه و دربار منجر به بلوای مردم گردید، قوام از نخست‌وزیری استعفا داد اما نقش حسین فاطمی و اطلاع‌رسانی صحیح روزنامه باختر در خصوص علت اصلی بلوای نان به وضوح آشکار شد (ص ۵۵). در چنین شرایطی اگرچه باز هم سهیلی مأمور تشکیل کابینه شد، اما مطبوعات مجدداً به مخالفت با سهیلی برخاستند و موضوع «انتخابات مجلس چهاردهم» را پیش کشیدند. در جریان انتخابات تند جراید از سهیلی و تأکید آن‌ها مبنی بر لزوم آزاد بودن انتخابات، نقش قابل ملاحظه حسین فاطمی در مخالفت با سهیلی که منجر به توقیف روزنامه باختر شد برجسته است (صص ۵۵-۵۷). فاطمی معتقد به اصل آزادی رأی و عقیده و رقابت آزاد احزاب سیاسی در جریان انتخابات بود و در مقالات خود مکرراً به این مسأله اشاره می‌کرد. فاطمی در دوران کابینه‌های سهیلی و قوام نشان

باختر را زمینه‌سازی برای یک کودتا می‌دانست (ص ۴۳).

در مرداد ماه ۱۳۲۱ یک اتحادیه مطبوعاتی جهت حمایت از آزادی مطبوعاتی تشکیل شد که به لحاظ سیاسی متمایل به چپ بود و مقدمات ظهور «جبهه آزادی» را در تیرماه ۱۳۲۲ش توسط گروهی از نشریات میانه‌رو و چپ به‌وجود آورد. تشکیل این جبهه، عکس‌العملی در برابر تلاش شاه برای اعاده قدرت و مخالفت با توقیف جراید توسط دولت بود. حسین فاطمی تشکیل این جبهه را برای رویارویی با تلاش‌های ارتجاع و دیکتاتوری ضروری می‌دانست. همکاری فاطمی در جبهه‌ی آزادی علی‌رغم اختلاف نظر با اعضای حزب توده تا زمان تقاضای امتیاز نفت شمال از سوی شوروی در سال ۱۳۲۳ش ادامه یافت (صص ۴۵ و ۴۶). اما متعاقب درخواست امتیاز نفت شمال ایران از سوی «کافئارده» وزیر امور خارجه‌ی شوروی از دولت محمد ساعد مراغه‌ای در سال ۱۳۲۳ پیروی اعضای توده‌ای جبهه آزادی از سیاست‌های شوروی نمایان شد. در نتیجه، بین اعضای جبهه آزادی اختلاف بالا گرفت و جبهه فروپاشید. فروپاشی رسمی این جبهه به دنبال اختلاف نظر در انتشار اعلامیه‌ای بود که علیه دخالت‌های بی‌رویه انگلیس در جنوب و شوروی در شمال صادر می‌شد. اعضای توده‌ای جبهه با قسمت دوم این اعلامیه یعنی اعتراض جبهه‌ی آزادی به دخالت شوروی مخالف بودند. به دنبال آن روزنامه‌های باختر، خورشید ایران، محیط، تجدد، داد، صدای ایران و دماوند از عضویت در جبهه استعفا دادند و جبهه عملاً موجودیت خود را از دست داد (ص ۴۷). بدین ترتیب، اختلاف بنیادین حزب توده با دیگر اعضای جبهه آزادی به‌ویژه سیدحسین فاطمی آشکار و پایان بخش حیات کوتاه این جبهه شد. اما می‌توان این تجربه را نقطه عطف و آغازی در خصومت بارز حزب توده و فاطمی دانست (ص ۴۸). پس از فروپاشی جبهه‌ی آزادی، گروهی از مدیران جراید برای رویارویی و مخالفت با واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی تشکیلات وسیعی به نام «جبهه‌ی استقلال» تشکیل دادند که چهره‌های شناخته شده‌ای چون حسین فاطمی در آن شرکت کردند. روزنامه‌هایی چون باختر، کشور، کوشش، مرد امروز، وظیفه و رعد امروز در جبهه استقلال عضویت داشتند. با آن که جبهه استقلال برای مبارزه با جبهه آزادی تشکیل شده بود ولی از آن‌جایی که برخی از بنیان‌گذاران اصلی آن، خود از اعضای اولیه‌ی جبهه‌ی آزادی بودند در روش کار و شیوه‌های تبلیغاتی تفاوت زیادی با جبهه آزادی نداشتند. با فروکش کردن بحران نفت شمال و ناکام ماندن تلاش روس‌ها در این امر، جبهه استقلال نیز هدف و انگیزه اصلی خود را از دست داد و پس از

فاطمی در موضوع تشکیل جبهه ملی و انتخاب و پیشنهاد نام آن، نقش اساسی ایفا کرد و پس از تصویب اساسنامه و آیین‌نامه‌ی و برنامه کار، جبهه ملی در روز ۱۰ آبان ۱۳۲۸ ش رسماً موجودیت خود را اعلام کرد (صص ۸۴-۸۵). حسین فاطمی در سازماندهی جبهه ملی نقشی اساسی داشت و گرداننده واقعی آن جبهه نیز او بود (ص ۹۰).

نویسنده در بخش دوم کتاب به نقش فاطمی در کابینه‌ی اول دکتر مصدق در مقام معاونت سیاسی - پارلمانی نخست‌وزیر پرداخته است. پس از ترور رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ ش حسین علاء نخست‌وزیر شد. در همین روزها صنعت نفت ایران با تصویب در مجلس شورای ملی و سپس مجلس سنا ملی شد (ص ۱۰۱). در چنین شرایطی دولت مستعجل حسین علاء نتوانست دوام بیاورد در نتیجه‌ی علاء از نخست‌وزیری استعفا کرد و مجلس پانزدهم به نخست‌وزیری دکتر مصدق اظهار تمایل کرد. دکتر مصدق پذیرش نخست‌وزیری را منوط به تصویب لایحه ۹ ماده‌ای خلع ید در خصوص صنعت نفت از سوی مجلس نمود و چون این لایحه در ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ به تصویب مجلسین رسید و مصدق نخست‌وزیری را پذیرفت (صص ۱۰۲ و ۱۰۳). مهم‌ترین مسأله در پذیرش نخست‌وزیری از سوی مصدق مسأله نفت بود که در این مورد، مصدق در روز اعلام نخست‌وزیری با جمعی از یارانش به‌ویژه فاطمی مذاکره‌ای با محوریت حل مسأله نفت و چگونگی اجرای خلع ید انجام داد (ص ۱۰۳). دکتر مصدق کابینه خود را در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش به مجلس معرفی کرد و چند روز پس از آن در ۱۷ اردیبهشت حسین فاطمی را به‌عنوان معاون سیاسی و پارلمانی خود برگزید (ص ۱۰۵). معاونت سیاسی و پارلمانی فاطمی در کابینه مصدق بحث‌انگیز بود. اگرچه آشنایی مصدق و فاطمی در سال‌های نخست دهه ۱۳۲۰ ش با تشکیل جبهه ملی در سال ۱۳۲۸ ش وارد مرحله جدیدی شده بود، اما

داد که صریحاً وفادار به دفاع از آزادی است (صص ۵۹-۵۷). نویسنده پس از پرداختن به مسائل مربوط به نفت ایران در دهه ۱۳۲۰ ش (صص ۶۰-۶۴) مخصوصاً به جریان واگذاری امتیاز نفت شمال به دولت شوروی و مواضع حسین فاطمی در قبال این مسأله و درگیری او با فعالان حزب توده و روزنامه‌های آنان به‌خاطر مخالفت فاطمی و چند تن دیگر از مدیران روزنامه‌ها با واگذاری این امتیاز به شوروی پرداخته (صص ۶۵-۶۷) که قبلاً به آن اشاره گردید.

حسین فاطمی پس از اتمام تحصیلات خود در پاریس و اخذ درجه‌ی دکترا در سال ۱۳۲۷ ش به ایران بازگشت. مراجعت فاطمی به کشور، زمینه‌ی بازگشت فعال او به عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ ش را فراهم کرد. مهم‌ترین اقدام فاطمی پس از بازگشت به ایران، انتشار روزنامه جدیدی تحت عنوان «باختر امروز» بود (صص ۷۴-۷۵). انتشار روزنامه‌ی باختر امروز با پایان کار مجلس پانزدهم و آغاز انتخابات مجلس شانزدهم همزمان شد. در این شرایط، فعالیت‌های مطبوعاتی فاطمی بر مخالفت با اعمال نظر دولت در جریان انتخابات متمرکز شد. این شیوه‌ی برخورد فاطمی و انتقادات تند او از تلاش‌های دولت برای راه‌یابی برخی از نمایندگان دوره‌ی قبل به مجلس، موجب توقیف روزنامه باختر امروز شد (ص ۷۷). اما پس از مدتی روزنامه‌ی باختر امروز با فشار افکار عمومی و لغو حکومت نظامی از توقیف بیرون آمد و مجدداً منتشر شد (ص ۷۸). پس از اعلام نتایج انتخابات مجلس شانزدهم دکتر مصدق و گروهی از شخصیت‌های سیاسی در اعتراض به دخالت‌های آشکار دولت در انتخابات در دربار تحصن کردند (صص ۸۱-۸۳). این گروه پس از چهار روز تحصن بی‌نتیجه در دربار، در نشست دیگری که بلافاصله در منزل دکتر مصدق برپا کردند، تصمیم گرفتند فعالیت متشکل سیاسی را ادامه دهند. در این‌جا بود که مسأله‌ی تشکیل «جبهه‌ی ملی» مطرح شد. دکتر

مصدق از نخست‌وزیری استعفا داد و شاه فرمان نخست‌وزیری احمد قوام را صادر کرد. اما قوام کاری از پیش نبرد چون مردم به رهبری آیت‌الله کاشانی در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ قیام کردند و شاه مجبور شد بار دیگر مصدق را به نخست‌وزیری منصوب نماید (صص ۱۸۳-۱۸۵). دکتر مصدق در ۵ مرداد ۱۳۳۱ برنامه دولت جدید را به مجلس تقدیم و هیأت وزیران را معرفی کرد. پیروزی قیام ۳۰ تیر مصدق را در موضع قدرت قرار داد از جمله وزارت جنگ را در اختیار خود گرفت، بودجه دربار را قطع کرد، بودجه نظامی را کاهش داد و از مجلس اختیاراتی ویژه برای شش ماه گرفت تا قوانین لازم برای اصلاحات مالی، انتخاباتی، حقوقی و آموزشی را وضع و اجرا کند (صص ۱۸۶). مصدق که در پی اتخاذ یک سیاست خارجی فعال بود، چهره شناخته شده و وفاداری چون حسین فاطمی را در رأس وزارت خارجه قرار داد (صص ۱۸۸). از آن جایی که این دوره نقطه‌ی عطفی در مبارزه دولت مصدق با انگلیس محسوب می‌شود فاطمی ویژگی‌های این دوره را به خوبی می‌داندست و بر آن اساس هم مسئولیت وزارت امور خارجه را پذیرفت (صص ۱۹۲). دوران تصدی وزارت امور خارجه اوج کارنامه‌ی درخشان فاطمی در عرصه‌ی سیاست است چرا که اقدامات مهم و چشم‌گیری در سیاست خارجی به عمل آمد از جمله آن‌ها قطع رابطه ایران و انگلستان (صص ۱۹۲-۲۰۲)، اجرای اصل موازنه منفی در سیاست خارجی ایران (صص ۲۰۳-۲۰۸)، انجام اصلاحات اساسی در وزارت امور خارجه بالأخص از لحاظ اداری و استخدامی (صص ۲۰۹-۲۱۴) و حل موضوع شیلات شمال و رفع سایر اختلافات با شوروی (صص ۲۱۴-۲۱۸) مواردی هستند که نویسنده بر آن‌ها تأکید کرده است. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منجر به سقوط دولت مصدق شد. طرح کودتا توسط دو دولت انگلیس و ایالات متحده آمریکا در اواخر سال ۱۳۳۱ش تهیه شد و مقامات دو کشور برای انجام عملیات موسوم به «آزاکس» برای سرنگونی دولت مصدق به توافق رسیدند. این عوامل خارجی با مجموعه‌ای از عناصر داخلی از قبیل دربار و برخی از فرماندهان نظامی به سرکردگی سپهبد فضل‌الله زاهدی در طراحی و اجرای کودتا همکاری کردند (صص ۲۳۱). دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه در ۲۰ مرداد ۱۳۳۲ از سفری که برای معالجه به اروپا رفته بود بازگشت. در نخستین ساعات بامداد ۲۵ مرداد کودتای نظامی ناموفقی توسط افسران و افراد گارد شاهنشاهی به مرحله اجرا گذارده شد که اولین اقدام آن‌ها دستگیری فاطمی بود (صص ۲۳۲ و ۲۳۳). اما کودتا عقیم ماند و دکتر فاطمی بلافاصله از زندان آزاد شد (صص ۲۳۴). در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حسین فاطمی در موضع‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها و سرمقاله‌هایش در روزنامه باختر امروز به شاه و دربار شدیداً حمله کرد (صص ۲۳۴-۲۴۳). فاطمی هم‌چنین به خاطر استقلال و رهایی کشور، تغییر رژیم به نظام جمهوری را لازم می‌دانست (صص ۲۴۵). با اجرای کودتای ۲۸ مرداد مصدق دستگیر و فاطمی مخفی شد. اختفای فاطمی تا ۱۶ اسفند ۱۳۳۲ ادامه داشت. اما مخفی‌گاه او لو رفت و در ۱۶ اسفند دستگیر و بازداشت شد. وی در یک دادگاه فرمایشی محاکمه و به اعدام محکوم گردید. نقش ماندگار وی در نهضت مقاومت ملی بالأخص در جریان ملی شدن صنعت نفت به نحو بارز و برجسته‌ای از جانب نویسنده کتاب حاضر مورد تأکید قرار گرفته و بارها از آن تمجید شده است.

آن‌چه که بیشتر موجب اعتماد دکتر مصدق به فاطمی شد حضور و نقش مؤثر فاطمی در روند مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت بود. از طرف دیگر حضور فاطمی در کنار مصدق مکمل کاستی‌های رهبر نهضت ملی محسوب می‌شد (صص ۱۰۷). طرح معاونت فاطمی با واکنش‌های مخالفی در مجلس شورای ملی و سنا مواجه شد. علت اصلی این مخالفت، بیشتر مضامین مقالات فاطمی در روزنامه باختر امروز بود. اما نهایتاً مجلسین به او رأی اعتماد دادند. البته نوشتن سر مقالات باختر امروز کاری بود که او در هر حال ادامه می‌داد (صص ۱۰۹-۱۱۳). معاونت سیاسی و پارلمانی دولت دکتر مصدق کاری پرمشغله و بسیار سنگین بود چون موضوع اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت که دکتر فاطمی در اجرای این قانون همواره نقش مؤثر و برجسته‌ای داشت (صص ۱۱۶-۱۵۳) را در زمینه‌ی سیاست خارجی به چالش می‌خواند و در ادامه نیز سایر ساختارهای بنیادی چون اقتصاد و سیاست را دچار بحران می‌کرد. در مجموع، فاطمی در این جایگاه کوشید ابعاد چندگانه وظایف خود را به عنوان معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت در راستای اهداف ملی و به‌ویژه اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت به پیش ببرد. مقابله عملی و قلمی سخت حسین فاطمی در این دوران برای اجرای قانون مذکور و ایستادگی وی در برابر فشارها و زیاده‌طلبی‌های انگلیس بسیار مؤثر و چشمگیر بود (صص ۱۱۴ و ۱۴۷). در کابینه‌ی اول دکتر مصدق و برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، دولت ایران تصمیم گرفت کارشناسان انگلیسی را از کشور اخراج کند. پس از اعلام تصمیم دولت ایران، انگلیس موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داد و در دستور کار آن شورا قرار گرفت. روز ۱۶ مهر ۱۳۳۰ش دکتر مصدق در رأس هیأت نمایندگی ایران عازم آمریکا شد. در این هیأت، دکتر حسین فاطمی نیز حضور داشت. (صص ۱۴۸-۱۵۲). پس از بازگشت مصدق و هیأت همراه از آمریکا، فاطمی در آخرین مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود در مقام معاون نخست‌وزیر برای شرکت در انتخابات مجلس هفدهم از شهر تهران اعلام آمادگی کرد تا با راه یافتن اکثریتی از هواداران دکتر مصدق به مجلس و حمایت مجلس جدید از سیاست دولت مصدق گامی بلند در حل مشکل نفت برداشته شود. (صص ۱۵۴-۱۵۶). انتخابات تهران در اول بهمن ۱۳۳۰ش آغاز شد و حسین فاطمی به مجلس هفدهم راه یافت. اما وی در ۲۳ بهمن ۱۳۳۰ در سالگرد مرگ محمد مسعود ترور شد و مدتی در بیمارستان نجمیه تهران بستری بود. دوره‌ی معالجات فاطمی در داخل و خارج از کشور به درازا کشید بطوری که تا ایام تصدی پست وزارت امور خارجه در کابینه دوم دکتر مصدق در مجلس حاضر نشد. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که فاطمی علی‌رغم کسب رأی و تصویب اعتبارنامه‌ی فعالیت ویژه‌ای در دوره‌ی چند ماهه‌ی نمایندگی مجلس هفدهم نداشت (صص ۱۶۶ و ۱۶۷).

نویسنده در بخش سوم که آخرین بخش کتاب است، به نقش حسین فاطمی در کابینه‌ی دوم مصدق یعنی در دوران تصدی وزارت امور خارجه پرداخته است. دکتر مصدق پس از بازگشت از سفر لاهه و اثبات حقانیت ایران در برابر زیاده‌خواهی دولت انگلیس در دادگاه لاهه در تیر ماه ۱۳۳۱ش بار دیگر به نخست‌وزیری رسید. اما چون از شاه خواست تا اختیارات وزیر جنگ به نخست‌وزیر واگذار شود و شاه نپذیرفت لذا